



وحید موساییان نخواستہ فیلمی صرفا درباره سینما بسازد، سینما و هنر بهانه‌ای است تا فیلمساز بخشی از تاریخ یک ملت رنج دیده را به تصویر بکشد که باید گفت در این زمینه به توفیق رسیده است

پررنگ شدن حضور و فعالیت سینماگران باسواد، خوش ذوق و متعهد در عرصه سینمای کشور و تولید فیلم‌های استاندارد و با محتوا، اهالی سینما، مخاطبان، مدیران و منتقدان را به افق روشن سینمای ایران و آینده روبه‌رشد فیلم‌سازی امیدوار کرده است.

این روند مطلوب که با کنترل و نظارت سازنده و مستمر مدیران بر امور سینما و مناسبات سینمایی، حمایت لازم از سازندگان آثار سینمایی با کیفیت و جلوگیری از یکه‌تازی بازاری‌سازان و اعوان و انصار فیلمفاریسی و دعوت از فیلمسازان معتبری که به هر دلیل از جریان فیلمسازی فاصله گرفته‌اند، می‌تواند استمرار یابد، باعث نشده تا سینمای اکران از هرج و مرج و بلبشو تا حدی رهایی یابد و تماشاگران فهیم سینما با علاقه‌مندی به دیدن فیلم‌هایی که دوست دارند، به سینما بروند.

فیلم جدید «وحید موساییان»، سینماگر با فرهنگی که سینما را با ساختن فیلم کوتاه و دستیار کارگردانی آغاز کرده و در ادامه با ساختن فیلم‌های خاموشی دریا، آرزوهای زمین، گوشواره، سرزمین گمشده و ایستگاه همین جاست توانایی‌ها و قابلیت‌های خوب خود را به عنوان کارگردان نشان داده است، با فیلم غیرمتعارف خود «گلچهره» یک بار دیگر حضور مثبت خود را اعلام کرده است. «گلچهره» که استحقاق اکران بهتری را دارد، با داستانی بر بستر ملودرام اجتماعی و نگاه به حوادث مقطعی از تاریخ افغانستان و بازخوانی قصه سینما از زاویه تازه، حرف‌هایی از جنس احساس و عاطفه و عشق به انسانیت، سینما و زندگی را مطرح می‌کند. پیروزی مجاهدان به دولت کمونیستی نجیب‌الله سبب می‌شود تا امیرشرف‌خان صاحب سینمای کابل به فکر راه‌اندازی مجدد سینمایش که در هیاهوهای گذشته تعطیل شده بود، می‌افتد ولی دولت جدید به خاطر اختلاف گروه‌های مبارز افغان دچار تفرقه و فروپاشی می‌شود و آشوب و هرج و مرج افغانستان و کابل را دربرمی‌گیرد. دامنه ناامنی و هجمه‌ها، تا مراکز فرهنگی و هنری، سینما و فیلم‌خانه ملی این کشور گسترده می‌شود و دوباره همه چیز بهم می‌ریزد و اوضاع مردم و از جمله امیرشرف‌خان و سینمایش ناایمان می‌شود و تلاش‌های جامعه و قشرهای مختلف مردم معطوف مسائل دیگری می‌شود و دیگر به خاطر عمق و وسعت هجمه‌ها و تخریب‌ها کمتر کسی به یاد هنر و سینما می‌افتد. در قالب چنین داستانی، چندین زندگی و حوادث ریز و درشت در «گلچهره» مطرح می‌شود که با کارگردانی هوشمندانه موساییان، فیلم‌پردازی‌های مطلوب، موسیقی متناسب با مضامین داستان، بازی‌های درست هدایت شده اغلب بازیگران به ویژه بازی‌های خوب مسعود رایگان و لادن مستوفی، استفاده کم و بیش موفق لهجه، تبدیل به فیلمی قابل توجه شده است.

مهم نیست که «گلچهره» از نظر مضمون با برخی فیلم‌های خارجی که در مورد سینما ساخته شده‌اند، شباهت دارد، مهم این است که پرداخت فیلم‌نامه، ماجراها و حوادث فیلم و همچنین زاویه دید فیلم‌ساز و فضا برجسته بوده و تحت شعاع صرفا موضوع سینما قرار نگرفته است.

به عبارتی وحید موساییان نخواستہ فیلمی صرفا درباره سینما بسازد، سینما و هنر بهانه‌ای است تا فیلمساز بخشی از تاریخ یک ملت رنج دیده را به تصویر بکشد که باید گفت در این زمینه به توفیق رسیده است. «گلچهره» هم مانند اغلب فیلم‌های مطرح این فیلم‌ساز که مورد توجه سینماگران، منتقدان و سینمادوستان داخلی و خارجی قرار گرفته و جوایز متعددی را به ارمغان آورده، در راستای باورهای موساییان و پایبندی‌اش به اهداف و آرمان‌های اعتقادی و ایمانی و بر مبنای بهره‌وری از مضامین و داستان‌هایی که ریشه‌های قرآنی و دینی دارند، ساخته شده و همین موضوع آثار و گلچهره را در میان

«گلچهره» راوی زندگی و فرهنگ ملتی رنج‌دیده به زبان سینما است

نویشته شده توسط روابط عمومی فیلم

سه شنبه، 13 دی 1390 ساعت 03:00 - آخرین بروزرسانی سه شنبه، 13 دی 1390 ساعت 12:17

---

فیلم‌های با ارزش و با محتوا قرار می‌دهد و این امتیاز ارزشمندی برای این کارگردان متعهد است.

-جبار آذین